

انقلاب اسلامی و مهدویت

پیوندهای انقلاب اسلامی و مهدویت:

دلایل ضرورت تبیین پیوندهای آموزه مهدویت و انقلاب اسلامی

حاکمیت رویکرد سطحی، حداقلی و عاطفی نسبت به آموزه مهدویت

ظرفیت‌های کلان راهبردی و تمدنی باورداشت آموزه مهدویت

پیشتازی رقبا در منجی باوری

• حاکمیت رویکرد سطحی، حداقلی و عاطفی نسبت به آموزه مهدویت:

متأسفانه در روزگار معاصر، ما دچار حاکمیت رویکرد سطحی، حداقلی و عاطفی نسبت به آموزه مهدویت در جامعه هستیم. رویکردهای مهدوی ما به مناسبت‌هایی مثل نیمه شعبان، محدود است. در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه‌ی ما، رشته و حتی گرایش مهدوی وجود ندارد. برخلاف ما، یهودیت و مسیحیت، نگاهی کلان، راهبردی و تمدنی به آموزه‌های منجی‌گرایی دارند. در جامعه‌ی ما، بین باورداشت آموزه مهدویت و نظام‌های تمدنی، پیوند برقرار نشده و ظرفیت‌های بی‌شمار تمدنی این آموزه نادیده گرفته شده است. حال اینکه این پیوند، دستاوردهای فراوانی دارد.

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای نهادینه‌سازی باور به مهدویت، به «خودکنترلی» برمی‌گردد. خودکنترلی شیوه‌ای تربیتی است که در آن فرد بدون نظارت والدین و دیگر عوامل نظارتی، احساس وظیفه کرده و کارش را به درستی انجام می‌دهد. امروزه غرب، با توجه به باورداشت منجی، خودکنترلی را از پیامدهای اخلاقی و تربیتی باور به منجی و زمینه‌سازی ظهور معرفی می‌کند و مردم را به این باور سوق می‌دهد تا هرکس بداند که بخشی از پازل ظهور مسیحاست و باید وظیفه خود را به درستی انجام دهد. خودکنترلی، یکی از ظرفیت‌های کلان آموزه مهدویت است که ما در این زمینه هیچ کاری نکرده‌ایم. تا پیش از انقلاب اسلامی، رویکرد سطحی، حداقلی و عاطفی، در گستره تاریخ شیعه حاکمیت داشت.

امام خمینی برای اولین بار در تاریخ تشیع با رویکرد تمدنی به فقه، آموزه ولایت فقیه را به درستی پایه‌ریزی کرد که بر اساس آن، در روزگار غیبت برای زمینه‌سازی ظهور امام مهدی (عج)، باید حکومت تشکیل داد.

رویکردهای مختلف به آموزه مهدویت در کشور

مهدویت پذیر

مهدویت گزین

مهدویت گریز

مهدویت ستیز

▪ **مهدویت ستیز:** عده‌ای به آموزه مهدویت باور نداشته و دشمن آن هستند.

▪ **مهدویت گریز:** افرادی که با وجود تقید به اعمال دینی مانند نماز، به وظایف خود نسبت به امام بی‌توجه بوده و نسبت به آموزه مهدویت بی‌طرف و بی‌تفاوت‌اند.

▪ **مهدویت گزین:** گزینشی برخورد کردن با نظام آموزه مهدویت و داشتن نگاه حداقلی و سطحی به آن. توده‌ی مردم در این گروه قرار دارند. این افراد نگاه نظام‌مند به مهدویت ندارد. یعنی با اینکه امام و وظایف خود نسبت به ایشان را می‌شناسند، اما زندگی آنها مبتنی بر رضایت امام نیست.

▪ **مهدویت پذیر:** این رویه، رویه‌ای عالی و متعالی نسبت به مهدویت است؛ یعنی کسانی که زندگی‌شان مبتنی بر رضایت امام زمان است.

وقتی از انقلاب اسلامی و مهدویت صحبت می‌کنیم، برای این است که می‌خواهیم این نگاه سطحی و حداقلی و عاطفی، تبدیل به یک نگاه کلان، راهبردی و تمدنی شود.

• ظرفیت‌های کلان راهبردی و تمدنی باورداشت آموزه مهدویت:

انقلاب اسلامی، علاوه بر شعارهای اقتصادی، شعارهای اجتماعی و فرهنگی فراوانی داشت. اما ما از این ظرفیت‌های کلان راهبردی و تمدنی آموزه مهدویت، که در ساماندهی گسست‌های اجتماعی، فرهنگی و تمدنی، به شدت برای ما کارایی دارند، غافلیم و در این عرصه کار نکرده‌ایم. در حال حاضر، یکی از بزرگ‌ترین مهدی‌شناسان دنیا فردی یهودی به نام «اتان کولبرگ» است که در تل‌آویو زندگی می‌کند. امثال کولبرگ، از این دانش در جهت تخریب مهدویت استفاده می‌کنند.

• پیشتازی رقبا در منجی باوری:

پشتتازی رقبا در منجی باوری نیز یکی از ضرورت‌های پیوند انقلاب و مهدویت است. اشغال فلسطین، براساس آموزه‌های آخرالزمانی و منجی باوری بوده است.

امام خمینی مبتنی بر باور آموزه مهدویت، انقلابی شکل داد، اما پس از انقلاب اسلامی، ما شاهد فقدان رویکرد نظام‌وار و الگویی به آموزه مهدویت هستیم. در حالی که ظرفیت‌های باورداشت به آموزه مهدویت، در فلسفه تاریخ و تمدن، دیده می‌شود. در فلسفه تاریخ، در مورد اینکه تاریخ از چه زمانی شکل گرفته،

چه چیزی باعث می‌شود که تاریخ به وجود بیاید و... بحث می‌شود. هگل، کانت و مارکس در غرب و شهید مطهری در ایران، فیلسوفان تاریخ هستند.

مارکس، نزاع طبقه کارگر و سرمایه‌دار را محرک تاریخ می‌داند. عده‌ای مانند کنت دومینو فرانسوی، نژادها را سازنده و محرک تاریخ می‌دانند. در اسلام و از دیدگاه قرآن و روایات، نزاع و ستیز دو جبهه حق و باطل، محرک و سازنده تاریخ است و این امر یک سنت تاریخی در قرآن است.

یکی از ظرفیت‌های باورداشت به آموزه مهدویت که در انقلاب ما، از حیث افق تمدنی و فلسفه تاریخ و تمدن، خود را نشان داد؛ موضوع تقابل حق و باطل و آینده‌ی وعده داده شده در اسلام است، یعنی پیروزی حق بر باطل، به رهبری امام مهدی (عج).

ما در جهان با دو الگوی آخرالزمانی مواجه هستیم؛ الگویی که خود را زمینه‌ساز ظهور مهدی (عج) می‌داند و الگویی که خود را زمینه‌ساز ظهور مسیحا (ماشیح) می‌داند. امام خمینی با انقلاب خود فرمود که ما زمینه‌ساز ظهور مهدی (عج) هستیم و معتقد بود از این به بعد، تکاپوی سیاسی بین‌المللی، بر محوریت این زمینه‌سازی است.



✓ موانع محتوایی:

- **فقدان نگاه مسئله‌یاب در عرصه مهدویت:** پرداختن عموم مردم به دجال یا مشخصات ظاهری حضرت یا اموری مانند ازدواج ایشان، مسئله‌نا هستند؛ نه مسائل واقعی و نباید اولویت اول باشند.

- **عدم پردازش محتوایی معارف مهدوی:** متأسفانه ما نتوانسته ایم محتوای معارف مهدوی را براساس مخاطب خود، به روز رسانی کنیم و در قالب و ساختارهای مناسب، به مخاطب ارائه دهیم. در فضای فعلی جامعه، علت مهدویت گریزی عده ای از افراد، نبودن پردازش محتوایی مناسب است.
- **غیر تخصصی بودن مطالعات آموزه مهدویت:** اظهار نظرهای غیرعالمانه و بدون کار تخصصی و مطالعاتی، نیز از جمله اموری است که باعث دلزدگی مردم نسبت به آموزه‌های دینی، از جمله مهدویت می‌شود.
- **زمانه زدگی:** زمانه زدگی یعنی اینکه فرد برای ارائه تفسیری به روز و نو از آموزه مهدویت، بعضی از اصول این آموزه را زیر سوال ببرد. اینکه عده‌ای می‌گویند از انتظار توصیه شده در اسلام، تشکیل حکومت بیرون نمی‌آید، تفسیر سکولار و زمانه زده از آموزه مهدویت است.
- **کهنه گرایی:** به همان اندازه که زمانه زدگی یک آسیب است، کهنه گرایی یعنی نگاه کلیشه‌ای به مهدویت هم، می‌تواند آسیب باشد.
- ✓ **موانع رویکردی:**
- **احساس امنیت کاذب و عدم دشمن شناسی:** دشمن شناسی یک علم است و ما باید در عرصه مبارزه با دشمنان مهدویت، شاخصه‌هایی را در نظر بگیریم:
 - ❖ **مبارزه با علت پیش از معلول:** با علت‌ها مبارزه کنیم یعنی اولویت ما مبارزه با علت باشد. بهائیت و امثال احمد الحسن معلول هستند. اینکه امام خمینی می‌گفتند آمریکا شیطان بزرگ است، به معنای مبارزه با علت است. امروزه داعش، طالبان، بهائیت و... معلول اتاق‌های فکر آمریکا و انگلیس و... هستند. پرداختن به معلول به جای علت، باعث معطوف شدن انرژی و وقت بسیار به این امور و بازماندن از تبیین اصل آموزه مهدویت می‌شود که خود یک آسیب است.
 - ❖ **تبدیل تهدید به فرصت:** برای مثال امام رضا (ع) با برخورد مناسب با واقفیه، تهدید آنها را، به فرصتی برای بیان معارف آموزه مهدویت تبدیل کردند.
 - ❖ **تمایز قائل شدن بین شبهه زده و شبهه گرا:** باید بین این دو تفاوت قائل شد؛ باید با شبهه‌گرا که با علم، به انکار مهدویت می‌پردازد، با شدت عمل برخورد کرده و با شبهه‌زده با ملایمت و ارائه کتاب و بحث و درس برخورد کنیم.
- **انحصار گرایی و عدم فعالیت مشارکتی:** این موضوع، آسیبی است که بیشتر موسسات، مراکز و محققان عرصه مهدویت به آن دچار می‌شوند.
- **غلبه فرهنگ عامه‌پسند بر فرهنگ دینی:** این آسیب به این معناست که به موضوعاتی بپردازیم

که مردم به آن علاقه دارند، حتی اگر اهمیت کمتری داشته باشند. مثلاً چون غالب مردم به نشانه‌های ظهور رغبت بیشتری نشان می‌دهند، عده‌ای با اینکه نشانه‌ها اولویت درجه اول نیست، بیشتر از زمینه‌های ظهور، به آن می‌پردازند.

■ **شخصیت زدگی:** یعنی وقتی فردی در این عرصه شهرت پیدا کرد و رغبت عمومی به او زیاد شد، پیام و اندیشه او را، وحی منزل دانستن و از نقد بررسی او اجتناب کردن.

عوامل عدم رغبت مردم به ظرفیت‌های آموزه مهدویت بعد از انقلاب

مدیریت لحظه‌ای و مناسبتی

عدم مسئولیت‌پذیری

فقدان مدیریت مواجهه

۱. **فقدان مدیریت مواجهه:** نداشتن الگوی مطلوب مبارزه با شبهات و آسیب‌ها در عرصه مهدویت.

۲. **عدم مسئولیت‌پذیری:** امروزه در جامعه و فضای فرهنگی کشور، امر مهدویت صرفاً به مراکز تخصصی مهدویت سپرده شده است؛ در حالی که دانشگاه‌ها و حوزه‌ها، آموزش و پرورش و آموزش عالی و سازمان‌های دیگر هم، در این عرصه وظایفی دارند.

۳. **مدیریت لحظه‌ای و مناسبتی:** مدیریت معطوف به ایام خاص مانند نیمه شعبان و روز جمعه.

بررسی مشکلات روز:

در ایران و پس از انقلاب، حاکمیت عده‌ای از مدیران و مسئولان نئولیبرال که به تحقق تمدن نوین اسلامی باور نداشته و قائل به مدرنیته اسلامی بوده و الگوشان ترکیه و مالزی بود، موجب به مذبح رفتن آرمان‌های معطوف به انتظار شد. این گروه معتقدند انتظار یعنی آمادگی. یعنی ما آماده بوده و آدم‌های خوبی باشیم تا اگر امام آمدند پا در رکاب حضرت شویم. اتفاقات تلخی مانند اختلاس‌ها، اشرافیت دولتی و ... ناشی از این تفکر و بازگشت از آرمان‌های انقلاب است.

تدریس استاد عرفان

موضوع: انقلاب اسلامی و مهدویت

خلاصه و چکیده مطالب ارائه شده در کلاس‌های آموزشی معارف مهدویت

تهیه شده در واحد مهدویت موسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)